

سخنرانی شب عاشورا ۱۴۰۲/۰۵/۰۴



حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی دامت برکاته

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«الحمد لله رب العالمين و صلى الله على جميع الأنبياء و المرسلين و الأئمة الهداة المهديين و فاطمة الزهراء سلام الله عليهم اجمعين بهم تتولى و من أعدائهم تتبرء الى الله».

«أَعْظَمَ اللَّهُ أَجُورَنَا [و اجوركم] بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ (عليه السلام) وَ جَعَلَنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَأْرِهِ (عليه الصلاة و عليه السلام)»^۱.

امید است ذات اقدس الهی عزداری عامه مسلمین را به أحسن وجه بپذیرد و از شما بزرگواران هم به أحسن وجه قبول کند. همیشه مخصوصاً ایام محرم یک وظیفه‌ای از این دعا به عهده ما متوجه است. در این دعا گذشته از ولایت‌پذیری ما نسبت به ساحت قدس ائمه (علیهم السلام)، از ذات اقدس الهی مسئلت می‌کنیم که آن توفیق را به ما مرحمت کند که ما خون‌بهای حسین بن علی را بگیریم. یعنی این مسئولیت را از ذات اقدس الهی می‌خواهیم.

«تار» یعنی خون‌بها. «وَ جَعَلَنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَأْرِهِ» یعنی ما تنها جمع نشویم که گریه بکنیم. ما باید کاری بکنیم که خون‌بهای حسین بن علی گرفته بشود در سراسر عالم. این خون‌بها چیست؟ تا حسین بن علی (سلام الله علیه) را ما نشناسیم خون‌بهای او را هم نمی‌دانیم. خون‌بهای حسین بن علی قرآن کریم است. هم حسین بن علی (سلام الله علیه) جهانی است هم قرآن کریم. البته این چهارده معصوم همه‌شان جهانی‌اند منتها این توفیق و این روزی نصیب حسین بن علی (سلام الله علیه) شد که با دست او ظهور پیدا کرد و گرنه آن سیزده معصوم دیگر هم همین‌طور است. هر کدام از آن سیزده ذات مقدس در این عصر و زمان و زمین بودند همین کار را انجام می‌دادند.

۱. مصباح المتعجد، ج ۲، ص ۷۷۲.

پس حضور ما در عزاخانه سید الشهداء و همچنین عزاداری کردن برای آن حضرت گذشته از اینکه ثواب‌های فراوانی برای ما و گذشتگان و آیندگان ما دارد، گذشته از اینکه بسیاری از حوائج ما برآورده می‌شود، یک مسئولیتی هم به عهده ما هست که از ذات اقدس الهی می‌خواهیم آن توفیق را به ما بدهد که ما به این مسئولیت عمل کنیم. می‌گوییم: «وَجَعَلْنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَأْرِهِ» هم به ما هم به شما، یعنی برای یکدیگر دعا می‌کنیم که خدا آن توفیق را به ما بدهد که خون‌بهای حسین بن علی را بگیریم.

حسین بن علی را ما تا شناسیم خون‌بهای او را هم نمی‌دانیم. پس الآن ما باید دو تا کار بکنیم: یکی اینکه حسین بن علی را بشناسیم یکی اینکه چه‌طور خون‌بهای حسین بن علی را بگیریم؟ حسین بن علی را اگر کسی بخواهد بشناسد، یک راه تاریخی دارد که آن مشخص است و یک راه مخصوص است که در زیارت‌ها و شرایطی که مربوط به خود حسین بن علی است، می‌باشد. این زیارت‌نامه‌هایی که برای ائمه وارد شده است این شناسنامه آنهاست. یکی از آن زیارت‌نامه‌ها که شناسنامه آنهاست این زیارت وارث است. در زیارت وارث ما به ذات مقدس حسین بن علی عرض می‌کنیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ»، از آدم شروع می‌کنیم «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ»، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ»، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى»، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى»، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ» وجود مبارک پیامبر، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ» وجود مبارک امیرالمؤمنین^۱.

ارث یعنی چه؟ ما حقیقت ارث را که متوجه بشویم می‌فهمیم که ارث غیر از آن است که یک کسی یک معامله‌ای می‌کند. در تعبیرات عرفی ما یک ارث داریم یک تجارت. در تجارت مال بجای مال می‌نشیند. یک کسی مال می‌دهد کالا می‌گیرد آن کالا بجای مال است این مال بجای کالا ولی در ارث مال بجای مال نمی‌نشیند، مال حرکت نمی‌کند، این شخص بجای آن شخص می‌نشیند، نه مال بجای مال. یک وقت است که مال عوض می‌شود یک وقت است که نه، شخص بجای شخص می‌نشیند. حقیقت ارث تبدیل مال نقل مال انتقال مال نیست، حقیقت ارث این است که این وارث را ذات اقدس الهی بجای مورث می‌نشانند. این معنای ارث است. پس ارث با تجارت فرق دارد. در تجارت مال بجای مال می‌نشیند در ارث مالک بجای مالک می‌نشیند.

ما در زیارت وارث به ذات مقدس حسین بن علی عرض می‌کنیم که تو بجای آدم نشسته‌ای، تو بجای نوح نشسته‌ای، تو بجای ابراهیم نشسته‌ای، تو بجای موسی نشسته‌ای، تو بجای عیسی نشسته‌ای، پس تمام حقائق انبیای عالم در حسین بن علی جمع است، برای اینکه نمی‌گوییم علم آنها به تو منتقل شد، می‌گوییم تو بجای آنها نشسته‌ای.

پس اگر کل جهان را همه بزرگان عالم را ما بخواهیم ببینیم حسین بن علی را می‌بینیم. این چهارده معصوم همه‌شان همین‌طور هستند، اما این معنا در وجود مبارک حسین بن علی ظهور کرده است. «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ»، تو بجای او نشسته‌ای. «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ»، تو بجای او نشسته‌ای. «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اِبْرَاهِيمَ ... يَا وَارِثَ مُوسَى ... يَا وَارِثَ عِيسَى ... يَا وَارِثَ رَسُولِ خِدا ... يَا وَارِثَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ».

پس اگر کسی به حسین بن علی نگاه می‌کند، به همه انبیاء و اولیاء نگاه می‌کند. البته هر کدام از این چهارده معصوم اگر آن زمینه اتفاق می‌افتاد آنها هم همین‌طور بودند. اما زیارت وارث به ما می‌گوید حسین بن علی یک امام نیست. حسین بن علی بجای پیغمبر اسلام به تنهایی نشسته است. او بجای کل انبیای عالم نشسته است؛ لذا شما می‌بینید که در اربعین و غیر اربعین علاقه به حسین بن علی در هر کسی هست. در مسیحی هست، در کلیمی هست. پس حسین بن علی یعنی عصاره همه انبیاء «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ» تا وارث خاتم. این معنای این است.

اگر ما در عالم یک کتابی بخواهیم که از آدم تا خاتم برای ما شرح بدهد شناسنامه آنها باشد هویت آنها را تعیین کند، تاریخ آنها را بیان کند سیره آنها را بیان کند سنت آنها را بیان کند غیر از قرآن ما کتاب دیگری نداریم. چون تورات تحریف شده است. انجیل تحریف شده است. خود قرآن کریم به تحریف شدن اینها تصریح کرده است که ﴿يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ﴾^۱. خدا فرمود من کتاب فرستادم نگفتم من او را حفظ می‌کنم، گفتم شما باید آن را حفظ بکنید و آنها حفظ نکردند و تحریف کردند، پس کتابی که در روی زمین باشد

۱. سوره نساء، آیه ۴۶.

و سالم باشد، غیر از قرآن کتابی نیست، چون خود قرآن فرمود: ﴿إِنَّا نَحْنُ نُزِّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾^۱ ما حافظ هستیم. فرمود:

﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ﴾^۲، قرآن مصون از هر تیر و تبهکاری است.

پس تنها کتابی که روی زمین تاریخ انبیاء را دارد، سیره انبیاء را دارد، روش انبیاء را دارد، پیام انبیاء دارد قرآن کریم است و تنها انسانی که بجای همه انبیاء نشسته است حسین بن علی بن ابیطالب است. این اشتباه نشود، همه این چهارده معصوم این طور هستند منتها برنامه‌ای که ظهور پیدا کرده است به دست حسین بن علی است.

حال این هم به عرضتان می‌رسد که علی بن ابیطالب وضعیت ممتازی دارد. اگر در همان عصر علی بن ابیطالب قیام می‌کرد کل اسلام از بین میرفت. خیلی‌ها سال‌های اخیر اسلام را درک کردند، شش ماه اخیر درک کردند، تازه مسلمان شدند، گویا اصلاً اسلامی نبود. آن روز اگر جنگ می‌شد، آن روز اگر یک قائله‌ای شبیه قائله کربلا اتفاق می‌افتد، کل دین از بین می‌رفت، لذا علی بن ابیطالب صبر کرد، امام حسن (سلام الله علیه) صبر کرد و ائمه بعدی هم همین مشکل را داشتند.

بنابراین این دو حقیقت به یک صورت‌اند: یکی قرآن ناطق است به نام حسین بن علی، یکی قرآن صامت است به نام خود قرآن. این حرف نمی‌زند، او حرف می‌زند و همه انبیاء را قرآن برای ما معرفی کرد. ما اگر الآن بخواهیم دین صحیح عیسای مسیح که منزله از تثلیث است را بفهمیم، به وسیله قرآن می‌فهمیم. بهترین مبارزه موسای کلیم را بفهمیم، به وسیله قرآن می‌فهمیم، چون قرآن جریان موسی را خوب تشریح کرد، جریان عیسی را خوب تشریح کرد.

بنابراین اگر می‌گوییم حسین (سلام الله علیه) جای همه انبیاء نشسته است نه یعنی علوم انبیاء به حسین بن علی منتقل شد، این تجارت نیست که علم او به این برسد؛ بلکه این عالم بجای عالم نشسته است؛ این ولی بجای ولی نشسته است. کاملاً مستحضرید که در ارث مال منتقل نمی‌شود مالک بجای مالک می‌نشیند. آن خرید و فروش است، بیع است، اجاره است، معاملات است، که در معاملات، مالی بجای مال قرار می‌گیرد. ولی در ارث، مال بجای مال قرار نمی‌گیرد مال سرچایش محفوظ است، مالک بجای مالک

۱. سوره حجر، آیه ۹.

۲. سوره فصلت، آیه ۴۲.

می‌نشیند. بجای آدم، وجود مبارک حسین بن علی نشسته است. بجای نوح وجود مبارک حسین بن علی نشسته است. بجای ابراهیم وجود مبارک حسین بن علی نشسته است.

شما می‌بینید وقتی که حسین بن علی بخواهد برنامه‌اش را تشریح بکند حرفی را می‌زند که ما از غیر خدا نشنیده‌ایم، چون خلیفه خداست این حرف را می‌زند. هر دولتی که باشد هر مملکتی که باشد هر کشوری که باشد یک سلسله مسئولینی دارد خدا هم برای اداره عالم یک مسئولینی دارد. خدا در سوره مبارکه «کَهِف» یک مطلبی دارد که حسین بن علی فرمود در اردوگاه من هم چون نماینده خدا هستم خلیفه خدا هستم و فرستاده مع الواسطه خدا هستم امام هستم جانشین پیغمبر خدا هستم همان حرف را دارم.

در سوره مبارکه «کَهِف» ذات اقدس الهی می‌فرماید در دستگاه من یک کسی که وظیفه‌شناس باشد من ندارم: ﴿وَمَا كُنْتَ تَتَّخِذُ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا﴾^۱ فرمود یا انبیاء در دستگاه من هستند یا ملائکه در دستگاه من هستند. کسی که وظیفه‌شناس باشد یک وقت است که خلاف می‌کند یک وقت است که خلاف نمی‌کند حاضر است فداکاری بکند می‌گوید من فداکاری مال دارم فداکاری جان ندارم، خودم نمی‌آیم، کمک می‌کنم، فرمود این هم خلافاکاری است من چنین کارمندی نمی‌خواهم. در سوره مبارکه «کَهِف» فرمود: ﴿وَمَا كُنْتَ تَتَّخِذُ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا﴾، یعنی در دستگاه من یا ملائکه حرف را اجرا می‌کنند یا انبیاء. من یک آدم عادی را مسئول کار خودم قرار نمی‌دهم.

به چه کسی عضد می‌گویند؟ کارها چند قسم است: یک کارهایی است که انسان با دست انجام می‌دهد می‌گویند اینها دستگیر یکدیگر هستند. یک وقت کاری است که یک کمی سنگین‌تر است بین این میج تا این آرنج را می‌گویند ساعد، کارهایی که با این قسمت انجام می‌شود را چند نفر باهم انجام می‌دهند، می‌گویند مساعدت کردند. این بین میج و آرنج را می‌گویند ساعد و اگر چند نفر با این قسمت از دست، دست به دست بدهند و کاری را انجام بدهند می‌گویند مساعد هم‌دیگر هستند و اگر کار یک مقداری سنگین‌تر باشد از آرنج تا دوش را می‌گویند عضد. عضد بازو است اگر کار سنگین‌تر باشد بازو لازم باشد می‌گویند معاضد یکدیگر هستند، عضد یکدیگر هستند.

۱. سوره کَهِف، آیه ۵۱.

پس ما یک معاضدت داریم یک مساعدت داریم یک همدستی. در قرآن کریم در سوره مبارکه «کَهِف» فرمود هیچ کس بازوی خدا نیست مگر انبیاء و اولیاء: ﴿وَمَا كُنْتَ تُتَّخَذُ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا﴾؛ من بخواهم برنامه‌ریزی کنم آسمان و زمین را اداره کنم یا باید ملائکه اطاعت کنند یا انبیاء اطاعت کنند. من مسئولیتم را به افراد عادی نمی‌دهم. این جریانی است که ذات اقدس الهی در سوره مبارکه «کَهِف» نسبت به کار خودش فرمود.

اما شما می‌بینید در تنظیم برنامه کربلا حسین بن علی چنین حرفی می‌زند. می‌فرماید من کربلایی‌هایی می‌خواهم که مثل ملائکه باشند. کسی که جای عضد و بازوی من است بخواهد بماند باید طیب و طاهر باشد. عبید الله بن حر جحفی در بین راه به حضرت عرض کرد من مال می‌دهم اسب می‌دهم غلام می‌دهم همه چیز می‌دهم ولی خودم معذورم، حضرت این آیه را خواند فرمود: ﴿وَمَا كُنْتَ تُتَّخَذُ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا﴾، من کربلایی می‌خواهم. تو بله مال می‌دهی، ولی مال به درد ما نمی‌خورد. من جان می‌خواهم.

این را حسین بن علی چه‌طور گفت؟ در جواب عبید الله بن حر چه گفت؟ نگفت که الآن من جان می‌خواهم مال کافی نیست. آیه خواند همان‌طوری که خدا فرمود: ﴿وَمَا كُنْتَ تُتَّخَذُ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا﴾، کسی که وظیفه اصلی خود را نمی‌شناسد من به او سِمَت نمی‌دهم، اینجا هم - با اینکه احتیاج داشتند به مسائل مالی - فرمود: ﴿وَمَا كُنْتَ تُتَّخَذُ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا﴾، این حرف خداست و این هم نماینده خدا.

بنابراین حسین بن علی تنها یک امام معصومی که حالا قیام کرد و شهید کردند نیست. او وارث همه انبیاء است. حالا که وارث همه انبیاء بود، تنها کسانی که حرف قرآن را از آدم تا خاتم می‌زند، همین خاندان‌اند، چون قرآن جریان آدم تا خاتم را خوب تشریح کرد، اگر کسی بیراهه رفت یا راه کسی را خواست ببندد و به قرآن کریم بی‌اعتنایی کند، مسیحی‌ها موظف‌اند کلیمی‌ها موظف‌اند خیلی‌ها موظف‌اند و هر کسی انسان است که فرزند آدم ابوالبشر است موظف است که کیان خودش را حفظ کند. بی‌ادبی کردن نسبت به قرآن کریم یک کار آسانی نیست - این هویت و شناسنامه همه انسان‌هاست - از سنخ ﴿يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ﴾^۱ است که انبیاء را به شهادت رساندند.

۱. سوره آل عمران، آیه ۲۱.

یک وقت است یک کسی نمی‌داند که دارد چکار می‌کند: ﴿أَوْلَيْكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ﴾^۱ همه مسئولین، همه جوامع بشری باید جلوی هتک حرمت قرآن کریم را بگیرند و جلوی هتک حرمت به حرم امن حسین بن علی را بگیرند. روضه‌خوانی را کاملاً گرامی بدارند برای اینکه انسان به کسی عرض ادب می‌کند که برای همه ارزش‌های عالم ایستاده است و ما را به همه پیام‌هایی که انبیای الهی آورده‌اند می‌رساند. می‌فرماید که شما اگر می‌خواهید راه عبادت را طی کنید، من آن قله هستم. اگر خواستید عشق‌بازی کنید من در آن قله هستم. فرمود: «أَنَا قَتِيلُ الْعِبْرَةِ»^۲ هستم.

اگر کسی بخواهد متدین باشد اخلاق پیدا کند مسلمان باشد، این راه عبرت است که سه بخش دارد هر سه بخش را من تأمین می‌کنم. اگر کسی خواست عشق‌بازی کند من در قله آن هستم. این کلمه عشق از لطیف‌ترین کلماتی است که در روایات ماست. مرحوم کلینی (رضوان الله تعالی علیه) در جلد دوم اصول کافی یک بیان نورانی از وجود مبارک امام صادق (سلام الله علیه) نقل کرد که فرمود: «أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ»^۳ همه مردمی که در راه صحیح‌اند انسان‌هایی شایسته‌اند؛ ولی فاضل‌ترین و برترین و بهترین شخص کسی است که با نماز عشق‌ورزی کند، نماز را دوست دارد. نه برای اینکه اگر نماز نخواند جهنم می‌رود. آنها یک گروه دیگری هستند. آنها که اهل عبرت‌اند سه گروه‌اند: می‌گویند من اگر عبرت نگیرم جهنم می‌روم، یا نه، اگر عبرت بگیرم بهشت نصیب من می‌شود، یا نه، من مشتاق الهی‌ام پس عبرت می‌گیرم.

عبرت را هم عبرت گفتند برای اینکه این عبور می‌کند از بدی به خوبی. آن کسی که تماشا می‌کند تحولی در او پیدا نشده و نمی‌شود، او عبرت نمی‌گیرد. آن کسی که متحرک است عبور می‌کند از بدی به خوبی، این را می‌گویند عبرت. اینکه عبور می‌کند یا برای ترس عبور می‌کند، این‌ها یک گروه‌اند یا برای شوق عبور می‌کند اینها گروه دوم‌اند یا برای عشق عبور می‌کند که گروه سوم‌اند. این سه گروه در بیانات نورانی امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است که فرمود مردم که عبادت می‌کنند یا «خَوْفًا مِنَ النَّارِ» است، یا «شَوْقًا إِلَى الْجَنَّةِ» است یا «حُبًّا لِلَّهِ»^۴ است، اینها یا برای اینکه علاقه به الله دارند اصلاً خدا را دوست دارند می‌گویند همه

۱. سوره اعراف، آیه ۱۷۹.

۲. الأُمَالِي (لِلصَّدُوقِ)، النَّصِّ، ص ۱۳۷؛ وَسَائِلُ الشَّيْخِ، ج ۱۴، ص ۴۲۲.

۳. الكافي، ج ۲، ص ۸۳.

۴. رک: نهج البلاغه، حکمت ۲۳۷.

هستی ما از ذات اقدس الهی است ما او را دوست داریم. خود اهل بیت، وجود مبارک حضرت امیر گروه سوم‌اند که روی علاقه‌ای که به خالقشان دارند عبادت می‌کنند نه روی ترس از جهنم و نه روی شوق به بهشت. بهشت به اینها مشتاق است.

پس عبادت سه قسم است: یا ترس از جهنم است یا شوق به بهشت است یا علاقه به ذات اقدس الهی است. عبرت هم همین است یا انسان از ترس عذاب الهی از بدی به خوبی می‌آید یا از شوق به بهشت از بدی به خوبی می‌آید یا نه، به خاطر علاقه‌ای که به خدا دارد از بدی به خوبی می‌آید. اما عبره یعنی اشک. کدام اشک؟ آن اشکی که انسان در عزای حسین بن علی می‌ریزد و چشمش تر می‌شود این کافی نیست. آن اشک فراوانی که عبور بکند از چشم به صورت بیاید آنرا عبره می‌گویند که حضرت فرمود: « **أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ**»، من کشته عبرات هستم. باید این اشک در این چشم پُر بشود بریزد در صحنه و در صفحه، این را می‌گویند عبرات که فرمود من کشته چنین عزاداری هستم « **أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ**».

عزاداری‌های حسین بن علی هم برای عبرت است هم باری عبره. اما عبرت سه قسم است عبره یک قسم. کسی که گریه نمی‌کند که به جهنم نرود! من که ندیدم کسی بیاید در عزای حسین بن علی گریه بکند برای اینکه جهنم نرود! این نیست و من هم نمی‌شناسم کسی را که بیاید برای حسین بن علی گریه بکند برای اینکه به بهشت برود. نه، او حسین بن علی را دوست دارد. من که نمی‌شناسم. غالب شما همین‌طور هستید. هیچ کسی نمی‌آید برای اینکه به بهشت برود. بهشت را با کارهای دیگر به دست می‌آورد. دوست داریم او را. ... ما دوستان حسین بن علی هستیم. بله، من که کسی را نمی‌شناسم. هر جوانی هر کسی می‌آید چون دوست دارد حسین بن علی را. دوست دار حسین است. این فرق عبره و عبره است.

فرمود: من قَتِيلُ عبرات هستم. آن چشم عزیز که پُر از اشک می‌شود و عبور می‌کند و مرا دوست دارد. من که تا حال که نود سال از عمرم گذشته است هیچ کسی را ندیدم که بگوید من برای حسین بن علی گریه می‌کنم برای اینکه جهنم نروم. ما هر کسی را دیدیم گفتند حسین بن علی را دوست داریم. لذا آن مسیحی هم که گریه می‌کند برای همین است. برای چه چیزی گریه می‌کند؟ سخن از بهشت و جهنم نیست. سخن از دوستی است.

همه راه‌ها را به او بستند و همه امکانات هم بود و وجود مبارک حسین بن علی در تمام این موارد فرمود من آدمم شما را نجات بدهم و الآن در تاسوعا و عاشورا وجود مبارک قمر بنی‌هاشم نام شریفش مطرح است چند بار عباس بن علی (سلام الله علیه) اجازه خواست فرمود نه! «إِذَا مَضَيْتَ تَفَرَّقَ عَسْكَرِي» فرمود تو پرچمدار من هستی. عباس جان، تو پرچمدار من هستی. من تا آخرین لحظه می‌خواهم با عزت بجنگم. تو پرچمداری. رفتی و شهید شدی، اینها متفرق می‌شوند. درست است که می‌مانند، ولی یکی آن گوشه می‌جنگد یکی این گوشه می‌جنگد. اینکه نشد! من تا آخرین قربانی‌ام علی اصغر و هر کسی هست باید با نظم بجنگم. میمنه چه کسی باشد، میسره چه کسی باشد، تا من زنده‌ام به خیام حمله نکنند!

تمام حیثیت این لشکر، به آن پرچمدار است. در یکی از جبهه‌های جنگ دست راست علی بن ابیطالب (سلام الله علیه) آسیب دید. پرچم را یک عده بلند کردند. حضرت رسول خدا فرمود علم را به دست علی بدهید، برای اینکه دست چپ علی از دست راست شما بالاتر است. نگویند علی دست راستش آسیب دید پرچم باید به دست علی باشد^۲. اینجا هم وجود مبارک عباس بن علی پرچم را نگذاشت بیفتد. وقتی دست راست را بریدند، فوراً با دست چپ بلند کرد. فرمود من تا زنده‌ام می‌خواهم با نظم بجنگم. مگر نمی‌بینید اینها چه طور هستند؟ دفعتهاً اینها برای غارتگری به خیام حمله کردند، ما چکار بکنیم؟ نه! تا آخرین نفر تو باید باشی. «إِذَا مَضَيْتَ تَفَرَّقَ عَسْكَرِي»؛ اینها پراکنده می‌شوند من نمی‌خواهم با یک لشکر پراکنده‌ای بجنگم. من تا آخرین نفس تا آخرین نمازی که خواندم با نظم می‌روم «إِذَا مَضَيْتَ تَفَرَّقَ عَسْكَرِي».

وجود مبارک قمر بنی‌هاشم این بود. اینکه در زیارت وجود مبارک قمر بنی‌هاشم (علیهم السلام) آن‌طور حرمت قائل شدند آن‌طور سلام فرستادند آن‌طور به ما گفتند سلام بکنید برای همین جهت بود. ما اگر سایر شهداء را یک جا زیارت می‌کنیم. وجود مبارک قمر بنی‌هاشم را در کربلا سه جا زیارت می‌کنیم. یک جا که دست راستش افتاد! یک جا که دست چپش افتاد! برای همه مزار درست کردند. آنجا که دست راست حضرت افتاد یک زیارتگاهی است با این اشعار فارسی:

افتاد دست راست خدایا ز پیکرم - بر دامن حسین برسان دست دیگرم

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۱.

۲. ذخائر العقبی (الطبری)، ج ۱، ص ۷۵.

آنجا که دست چپ حضرت افتاد، چون شعر عربی نوشته:

«إن فی هذا المقام انقطعت یسرة العباس بحر الکرّم»^۱

این شعر عربی در آن مزار دست چپ حضرت نوشته است؛ یعنی ای زائرین اینجا دست چپ حضرت قطع شد.

ام البنین می‌گوید بچه‌هایم شهید شدند، ولی به من گزارش دادند که عباس تو مشکی به دندان گرفت! دست پسرم چه شد؟ گریه ام البنین در بقیع این بود به من گفته‌اند عباس تو مشکی به دندان گرفت مشک را به دوش حمل می‌کنند دست پسرم چه شد؟ دست پسرم چه شد؟ این قمر بنی‌هاشم بود.

لذا در بین شهدا آخرین نفری که شربت شهادت نوشیدند وجود مبارک عباس بن علی بود برای اینکه نظم به هر وسیله هست فراهم بشود. آن وقت احدی از این شهدا و بزرگان نماندند تا قمر بنی‌هاشم را از قتلگاه به خیمه‌گاه ببرند. منتها این سؤال برای ما مانده است! شما بین الحرمین را مشرف شدید یا إن شاء الله مشرف می‌شود. تا خود وجود مبارک سید الشهداء تنها بود، این برادر را در میدان گذاشت و آمد، بعد از اینکه وجود مبارک امام سجاد وارد کربلا شد شهدا را شناسایی کرد به دستور امام سجاد همه شهداء حتی علی اکبر را حضرت جمع کرد آورد پایین پای سید الشهداء، آنجا دفن کرد چرا برادرش را قمر بنی‌هاشم را نیاورد کنار بدن دفن کند؟ چرا؟ فرمود عمومی من باید یک قبر جدا داشته باشد. عمومی من باید یک بارگاه جدا داشته باشد او پرچمدار او بود. خود امام سجاد اجازه داد که فرمود دستی به بدن عمومی من نزنید همان طوری که عمومی من اینجا افتاده از همین جا باید قبرش باشد. این نه برای اینکه کسی نبود، خیلی‌ها بودند و دستور امام سجاد را انجام می‌دادند ولی می‌خواست برای قمر بنی‌هاشم یک مقامی باشد یک جلالی باشد یک پرچمداری باشد تا آخرین لحظه همه می‌گفتند عمومی ما زنده است.

اما وقتی این تیر به مشک آمده و چشم هم آسیب دید تا وجود مبارک عباس سر خم کرد این تیر را بگیرد عمود آهن مغز مطهر آن حضرت را ...

«السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ»^۲ «و رحمة الله و برکاته».

۱. العباس علیه السلام (السید عبدالرزاق المرقم)، ج ۱، ص ۲۹۴.

۲. البلد الأمين و الدرع الحصین، ص ۲۷۱.

پروردگارا، اینها عزاداران حسین بن علی هستند اینها نیامدند که جهنم نروند، اینها نیامدند که بهشت بروند، اینها آمدند با حسین بن علی محشور باشند تو را به حسین بن علی قسم این نظام ما این مملکت ما این مسلمان‌های جهان اسلامی، این عزیزان ما، این برادران ما، این خواهران ما، این فرزندان ما همه را به حسین بن علی ببخش!

عزت همه را در سایه حسین بن علی حفظ بکن!

آبروی همه را در سایه حسین بن علی حفظ بکن!

گذشتگان همه را در سایه حسین بن علی ببخش!

آیندگان همه این عزیزان را در سایه حسین بن علی مشمول عنایت ویژه‌ات قرار بده!

اینها را در دنیا و برزخ و قیامت با حسین بن علی محشور بفرما!

این عزاداری را و این ادعیه را از همه مسلمان‌های جهان به أحسن وجه بپذیر!

جسارت‌کنندگان به حرم امن قرآن کریم را تنبیه بفرما!

این نظام را تا ظهور صاحب اصلی‌اش از هر خطری محافظت بفرما!

«بالنبی و آله و عجل فی فرج مولانا صاحب العصر و الزمان»